

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی

۱۵ اگست ۲۰۱۶

ناتوی فرهنگی و رژیم اسلامی در ایران جبهه متحد سرمایه و ثروت علیه فقر
در باب اپوزیسیون های ایرانی پنتاگونی (رنگین کمان)
ننگین کمان یا القاعده ایرانی در لباس دموکراتیک لائیک
«گروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه»



کولژ با برگه های تبلیغاتی : امتناع از حمله مسحانه به بنگاه های تبلیغاتی .حمید محوی اگست ۲۰۱۶

پیش درآمد برای نسخه پی دی اف

به مناسبت توقیف وبلاگ گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی به دستور گروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه از شبکه های کنترل وزارت ارشاد اسلامی، در تباری و تلاقی با توطئه های گوناگون در جبهه عوامل استعماری / امپریالیستی، در اینجا : جامعه رنگین کمان، از جمله کنش هایشان علیه نویسندگان و منتقدان فرهنگی و اجتماعی مورد

بررسی قرار گرفته است. می خواستم نشان دهم که رژیم دیکتاتوری سرمایه داری اسلامی قاچاقچی متافزیک در ایران با سابقه ۴۰۰ سال تروریسم اسلامی و پیکره اپوزیسیون های ایرانی پنتاگونی (مثل جامعه رنگین کمان) به یک پیکره مستقل واحد سرکوبگر و از خودبیگانه ساز تعلق دارند.

شناخت مکانیزم و روابط مفصلی پوزیسیون سرمایه داری ارتجاعی/و حاکمیت تروریسم تمدن ستیز دستگاه دین اسلام و اپوزیسیون های به مراتب ارتجاعی تر و خطرناکتر از تروریسم اسلامی که حاصل سیاستهای امپریالیستی بوده و هستند برای پیشگامان ایران و مبارزان اجتماعی ضرورت اجتناب ناپذیری خواهد داشت، نوشته حاضر در ۷ بخش به شکل پلاتفرمی برای گسترش و نقد مطالب گوناگون در پیوند با چنین موضوعی در تاریخ های پی در پی در وبسایت های "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"، مشعل و مجله هفته منتشر شد. در اینجا نسخه پی دی اف آن را برای دوستانی که به این سایتها مراجعه نداشته اند ارسال می کنم. با توجه به این امر که گاهنامه هنر و مبارزه از آنجائی که در حال حاضر فاقد وبسایت مستقل می باشد و از رسانه های ایرانی حذف شده است، کوشش بر این خواهد بود که از طریق سایتهای نامبرده و از این پس به شکل کوماندوئی برای مقابله با تروریسم اسلامی، اجرای طرح این گاهنامه را ادامه دهم.

مبارزات ایرانیان علیه دستگاه دین اسلام در ایران هیچ گاه متوقف نشده است. گاهنامه هنر و مبارزه یادمان قربانیان شهر استخر را به همه ایرانیان تسلیم می گوید، باشد تا مقاومت دلیرانه نیاکان ما مثل تمام مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی مردم جهان و از جمله مردم سوریه که امروز طعمه تیغ اسلام در جایگاه پیاده نظام ایالات متحده به قامت راهزنان تاریخی هستند بی هوده باقی نماند و دشمنان ایران و نوع بشر پاسخی برانزده و شایسته دریافت کنند. به برخی از کمونیستهای ایرانی که با رویکرد جدید من در رابطه با دین موافق نیستند، یادآوری می کنم که از دیدگاه من مبارزه طبقاتی در راستای ایجاد جامعه و واقعاً سوسیالیستی در ایران الزاماً باید با دین و مذاهب رویارویی کند، حتی اگر کارگران ایرانی در تظاهراتشان صلوات بفرستند (یعنی همانهایی که شلاق محمد و آل محمد را روی تنشانشان تحمل کردند) و به بیان دیگر حتی اگر مسلمان باشند و به طعنه بگویند «دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند». در حالی که من از آن نوع دیوهائی هستم که قویاً ایرانیان را به خواندن قرآن تشویق می کنم. مشکل این مسلمانهای ایرانی این است که قرآن خوان نیستند و خواندن قرآن نه از سر تسلیم و پیشداوری و نه حتی در سطح پروفیسور مانفرد کروپ که از دیدگاه زبانشناسی قرآن را مورد بررسی قرار داده است

(https://www.youtube.com/watch?v=SiKd_IsX0Yw) .

اختناق و ابتذال و عقب ماندگی جامعه فرهنگی ایران در حدی است که ما فقط می توانیم به استادان و پژوهشگران خارجی مانند مانفرد کروپ امیدوار باشیم که گنجینه های فرهنگی ما را به ما معرفی کنند... که به حضار پیشنهاد می کند کتاب «۲۳ سال» نوشته علی دشتی را بخوانند. در تاریخ این سخنرانی (در لینک بالا احتمالاً کتاب قرآن محمدی نوشته اکبر گنجی را هنوز کشف نکرده بوده است).

از قرآن برای استخاره گرفتن استفاده می کنند، در مجالس عزاداری، عروسی، وقتی به خانه جدید نقل مکان می کنند پیش از همه آئینه و قرآن می برند، از زیرش رد می شوند و کتاب صد هزار بوسیده شده را دوباره می بوسند... ولی کمتر پیش می آید که لای این کتاب مقدس را باز کنند و بخوانند و سعی کنند با دید باز و فکر انتقادی ببینند کی چی می گوید و پیامد عینی آن در زندگی امروز ما کدام است. برای چنین قرائتی، همان سوره بقره کافی خواهد بود تا تکلیف اسلام در ایران یکسره شود. ما نیاز داریم که مردم کشورمان این سوره را به شکلی که فرهیختگان این سرزمین دریافته اند بخوانند.

من فکر می‌کنم آنچه بیش از همه مانع خواندن قرآن می‌شود، همانا تهدید به مرگ از سوی دستگاه دین اسلام است. به این معنا که با احترام آمیخته به ترس قرآن را به دست می‌گیرند. قرآن را برای ثوابش می‌خوانند آن هم به زبان عربی و به معانی آن هم کاری ندارند. قرآن را به زبان عربی مزه مزه می‌کنند چون که خدا فارسی بلد نیست و قبول نیست. یعنی این که حاکمیت فرهنگ عرب همچنان در اشکال نرم و خزنده رواج دارد، و از خودبیگانگی مضاعفی را نزد عجم دامن می‌زند. و ما مثل نخستین سالهای تهاجم اعراب به ایران، حتا امروز برای حفظ زبان و فرهنگ فارسی مجبوریم با دستگاه دین اسلام در بیفتیم. چنین تهدیدی تنها از دین برگشتگان را هدف نمی‌گیرد، بلکه پیش از همه سایه ترس و وحشت را روی جامعه مؤمنین پرتاب می‌کند.

اکبر گنجی در کتاب «قرآن محمدی» درباره «آنانکه قرآن را سخن خدا تلقی می‌کنند، حتی یک دلیل بر صدق مدعی خود اقامه نکرده اند» (ص ۶۸ نسخه پی دی اف) به ۸ مورد از استندهایشان می‌پردازد ولی از دیدگاه من یکی از دلایلی که این گروه از مؤمنین و مفسرین برای صدق مدعی خود اقامه کرده اند را (در اینجا، در جاهای دیگر البته گفته است) فراموش کرده است، و آن هم ستراتیژی نهائی یعنی به زور و تهدید و اعمال خشونت و اختناق و سانسور و فیلتر کردن... (یک نفر در اسپوتنیک پیغام گذاشته بود و نوشته بود: «همین باقی مانده که خودشان را هم فیلتر کنند»). من فکر می‌کنم که اتفاقاً چنین کاری را هم کرده اند، خودشان را هم فیلتر کرده اند، با بستن در و تخته نقد که مفهوم دیگری به جز ممنوعیت قرائت قرآن ندارد.

این ادیان دائماً در حال ترساندن مردم هستند. مسیحیان هم اناجیل را نمی‌خوانند، سینمای هالیوود و بیانیه های پاپ برایشان کافی ست، حتا مسیحیان بی ایمان و بی خدا، احتمالاً ما نیز به نوعی مسلمان خداناباور هستیم ولی هنوز نمی‌دانیم (تا چه اندازه؟)، چون که این راهزنان تاریخی با قاچاق متافزیک در ناخودآگاه ما نفوذ کرده اند، باید برویم آنجا در لایه های واپس زده و این یک جبهه نبرد بسیار سخت دیگری است که در پیش داریم. موضوع ناخودآگاه این است که برای مثال، هر وقت دیدید که یک نفر به خدا و پیغمبر و مقدسات توهین می‌کند، بدانید که این فرد حتماً باید یک مسلمان دو آتش باشد... ولی معرفت شناسی دستگاه دین اسلام به همان واحه های وسط بیابان عربستان محصور شده، و هنوز گرفتار جنگ خبیر و صحرای کربلاست و ابزار درک عقلی اینگونه مسائل انسانی را در اختیار ندارد و نمی‌تواند از چنین ابزار هائی به شناخت انسان مربوط می‌شود استفاده کند، دقیقاً مثل روزنامه نگاران رسانه های آنلاینیست که اگر بخواهند حقیقت را به اطلاع مردم برسانند، از کار بیکار خواهند شد. دین با معرفت شناسی نیز بیگانه است و برای هیچ تحول و شناخت عینی نیز تره هم خورد نمی‌کند. به همین علت خطرناک است. خاصه برای امنیت ملی و تغییر رویکرد من مشخصاً روی همین موضوع امنیت ملی صورت گرفت و ایدئولوژی اسلامی را در کنار بورژوازی ایران مسؤول شناسائی کردم. ما برای ایجاد جامعه سوسیالیستی به خصوص در منطقه خطرناک ایران به امنیت ملی نیازمند هستیم. پیش از این در این توهم بودیم که جمهوری اسلامی می‌تواند تا حدودی امنیت ملی را تضمین کند، ولی مذاکره های هسته ئی از یک سو و تلفات سنگین ایران روی مرزهای ایران و علاوه بر این شرکت خواهی خواهی ایران در جنگ های مذهبی ساخت امریکا برای اهداف امپریالیستی، التماس های پیاپی از روسیه برای خرید اسلحه و آنهم نه برای مقابله با امریکا و تهدیدات امپریالیستی بلکه برای رقابت با کشور هائی مانند عربستان (...). شکاف طبقاتی بسیار عمیق در ایران، دعاوی پوشالی، عضو باشگاه فضائی ولی از سوی دیگر کشف می‌کنیم که هیچ یک از صنایع ایران ساخت ایران نیست، همه دستگاهها وارداتی و همیشه هم بخشی از قطعات هنوز از خارج وارد می‌شود، این موضوع حتا مجتمع صنعتی دوچرخه سازی قوچان را نیز در بر می‌گیرد... و دهقان ایرانی گندم کار هنوز با داس گندم هایش را درو می‌کند. یادآوری می‌کنم که اختراع تراکتور تقریباً به سال ۱۹۲۰ باز می‌گردد. در حالی که ما در ایران

صنعت تراکتور سازی داریم (در سطح مونتاژ...). این صنعت در هر سطحی که هست باید به مالکیت عمومی تمام دهقانان ایرانی درآید زیرا مسأله کاملاً به امنیت ملی ایران مربوط می شود (گندم). تراکتور قیمت نباید داشته باشد. در حالی که یک متر مربع از یک مزرعه گندم معادل یک گردان تانک تی ۹۰ ارزش ستراتیژیک دارد... که ما با بونینگ ۷۴۷ امریکائی به حج عمره برویم و دهقان ایرانی با داس گندمش را درو کند؟ و گاهنامه هنر و مبارزه نیز فیلتر شود. در دامنه این ۷ بخش، مقاله دیگری در دست تهیه دارم با عنوان موقتی «درباب رابطه دیالکتیک منع توهین به مقدسات و منع نقد، به مثابه عامل بازدارنده تمدن و شکوفائی رانش مرگ» که در آینده منتشر خواهم کرد.

۱۴ اگست ۲۰۱۶